

## ارزیابی مدیریت مشارکتی مراتع قشلاقی طایفه مغانلوی ایل شاهسون

علی محبی\*<sup>۱</sup>، الهوردی نوری<sup>۲</sup>

## چکیده

با تغییرات ایجاد شده در نحوه مدیریت کوچ، نمود آن ورود دولت در تنظیم تقویم کوچ به جای عشایر، مشاهده می‌شود. نظر به محدودیت‌های نظام دولتی و همچنین گستردگی عرصه، تحقیق حاضر با هدف امکان‌سنجی واگذاری مدیریت کوچ و مرتع به عشایر در مراتع قشلاقی تیره اقلی طایفه مغانلو ایل شاهسون استان اردبیل، به مدت ۳ سال از مهر ماه سال ۱۳۹۴ به مورد اجرا گذاشته شد. این مطالعه در دو بخش مجزای کمی و کیفی صورت پذیرفت. بخش ارزیابی مدیریت مشارکتی با رویکرد کیفی و استفاده از شیوه‌های اقدام پژوهی و ارزیابی مشارکتی روستایی انجام شد. مرحله کمی نیز بررسی تاثیر این شیوه از مدیریت بر روی فاکتورهای مهم پوشش گیاهی، قبل از ورود و بعد از خروج عشایر بود. نتایج حاصل از بررسی‌های کیفی نشان داد که به دلایل عدم وجود اراده جدی در سازمان متولی در احاله مدیریت مراتع به خود عشایر، تعدد تولی‌گری، عدم تخصیص اعتبارات و عدم پیگیری جدی نمایندگان عشایری به دلیل نبود منافع شخصی، به طور متوسط ۴۵٪ از تصمیمات مدیریتی متخذه تحقق یافت. در تحلیل کمی نیز در سال آخر نسبت به سال اول، وضعیت مراتع ضعیف، گرایش منفی، متوسط درصد بهره‌برداری ۸۴/۵ درصد و ظرفیت قبل از ورود عشایر ۳/۱۷ واحد دامی در هکتار و بعد از خروج آنها از مرتع ۰/۳۴ واحد دامی برآورد گردید. با نگاه کلی به نتایج حاصله، می‌توان دریافت که اعمال مدیریت نمایندگان عشایری در مدیریت کوچ و مرتع چندان رضایت بخش ارزیابی نگردید. همکاری بیش از پیش ارگان‌های مرتبط با نمایندگان عشایری در کنار پیگیری جدی نمایندگان مذکور، می‌توانست نتایج سودمندتری برای مرتع و مرتعداران در پی داشته باشد. با این توصیف، در این اکوسیستم‌ها، تعریف الگوی مناسب مدیریت مراتع بر مبنای تحقیقات، ضروری به نظر می‌رسد.

## واژگان کلیدی:

مدیریت مراتع، عشایر، ایل شاهسون.

## مقاله پژوهشی

۱. استادیار پژوهشی، بخش تحقیقات مرتع، موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.

[a.mohabbi@rifr-ac.ir](mailto:a.mohabbi@rifr-ac.ir)

\* نویسنده مسئول

۲. پژوهشگر ارشد، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.

[a\\_nori16@yahoo.com](mailto:a_nori16@yahoo.com)

۲۴۰۸-۱۰۷۳

شناسه مقاله:

۵۴۵-۵۵۵

شماره صفحه پایایی:

۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۰۵

انتشار آنلاین:

روز ۱۰۷

زمان پذیرش:

## استناددهی:

محبی، ع. و نوری، ا. (۱۴۰۲). ارزیابی مدیریت مشارکتی مراتع قشلاقی طایفه مغانلوی ایل شاهسون. مدیریت اکوسیستم‌های طبیعی، ۳(۳)، ۳۸-۴۸.

## ۱- مقدمه

دامداری و کوچ در نظام دامداری عشایری از دیرباز وجود داشته است، از مهمترین کارکرد این نظام اثرات مثبت آن بر وضعیت مراتع به دلیل عدم حضور دائمی دام در مرتع می‌باشد. پس از ملی شدن مراتع، تنظیم تقویم کوچ و مدیریت اجرایی آن از شکل سنتی به نظام مدیریت دولتی تغییر یافت ولی به دلیل محدودیت‌های خاص این نظام (کمبود نیرو، اعتبارات و امکانات) شیوه اخیر چندان کارساز نبوده است. نظر به محدودیت‌های نظام دولتی، به نظر می‌رسد واگذاری این مسؤلیت به عشایر و فراهم کردن زمینه نقش آفرینی آنها در این مهم، یکی از راهکارهای برون رفت از وضع نامناسب و ناکارآمد نظام دولتی مدیریت مراتع عشایری باشد که علی‌رغم هزینه‌های زیاد برای دولت موفقیت قابل قبولی نیز در پی نداشته است (محبی و همکاران، ۱۳۹۹). سؤال این است: آیا با توجه به تحولات مختلفی که در کشور رخ داده است، بازگرداندن این مسؤلیت به عشایر می‌تواند در بهبود شرایط مراتع موثر باشد؟ فرض بر این است که واگذاری مدیریت به خود عشایر و حمایت از آنان می‌تواند منجر به بهبود شرایط مراتع مورد مطالعه گردد. بازگرداندن این مسؤلیت به عشایر با توجه به تغییر و تحولات مختلفی که در کشور رخ داده است، از جمله تغییرات در مراتع میان بند، تغییرات در کارکرد ساختارهای ایلی و طایفه‌ای در عشایر بدون پشتوانه علمی تحقیقاتی امری ساده انگارانه به نظر می‌رسد، از این رو مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان امور عشایر و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ورود این موضوع را از مسیر متکی به نتایج تحقیق امری منطقی تشخیص و انجام تحقیقی با هدف بررسی تاثیر مدیریت مشارکتی بر تغییرات پوشش گیاهی مراتع قشلاقی تیره آقلی طایفه مغانلوی ایل شاهسون استان اردبیل در همین چارچوب موضوعیت یافت. علی‌رغم اینکه درخصوص موضوع پژوهش مطالعات و تحقیقات کاربردی مستقیم انجام نگرفته است ولی به منظور بررسی پیوند پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی می‌توان به گزارش بهزاد (۱۳۹۱) اشاره نمود که مناسب‌ترین راه مدیریت مراتع را واگذاری کامل امور به خود بهره‌برداران و استفاده از قریبانان انتخاب شده توسط خود عشایر معرفی نموده است. صفری علی اکبری (۱۳۹۹) نیز شبکه‌های روستایی را در مدیریت مشارکتی جوامع روستایی اثرگذار دانسته است. موسی پور سیاه‌جل و همکاران (۱۴۰۲) در مباحث مدیریت مشارکتی جهت حفاظت از جنگل‌های پسته وحشی و بادام وحشی شهرستان بافت دریافتند، مردان نسبت به زنان تمایل بیشتری به مشارکت در حفاظت از جنگل‌ها دارند. آنان پیشنهاد کردند در مناطق جنگلی پیرامون روستاها و سکونتگاه‌های عشایری جهت حفاظت و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، انجمن‌های جنگل‌داری با مشارکت جوامع محلی تشکیل شود. ویسی و رضوانفر (۱۳۸۵) در تدوین استراتژی‌های مناسب برای مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در زیر حوزه آبخیز راوزور به‌عنوان بخشی از حوزه آبخیز کرخه نتیجه رفتند، از نظر مردم محلی مهم‌ترین مشکلات سیل، قطع درختان، چرای بی‌رویه، خشکسالی و تبدیل مراتع به زمین‌های کشاورزی می‌باشند که برای مقابله با آنها تقویت تعاونی آبخیزداری، ایجاد شوراهای حل اختلاف برای مقابله با تخریب کنندگان منابع طبیعی در جامعه محلی اثربخش‌ترین اقدامات در چارچوب رهیافت مدیریت تلفیقی منابع طبیعی هستند. عبداللهی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با هدف بررسی نگرش ذینفعان جنگل‌های شهرستان سردشت نسبت به مدیریت مشارکتی انجام داده و نتیجه گرفتند، ذهنیت، ادراک و مشارکت آنها در مدیریت و سیاست‌ها باید گنجانده شود. این موضوع را چنین می‌توان تفسیر کرد که ذینفعان محلی در سردشت از حفاظت از جنگل‌های زاگرس حمایت می‌کنند. علاوه بر این، افزایش شغل و معیشت جایگزین و بهبود دسترسی به بازار می‌تواند نقش بزرگی در مدیریت پایدار منابع جنگلی از طریق افزایش مشارکت جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری ایفا کند. توجه به این تنوع دیدگاه‌ها، نیاز به توسعه رویکردهای مدیریت منابع طبیعی فعال و انعطاف‌پذیر را برجسته می‌کند. فرامرزی و همکاران (۱۴۰۲) در ارزیابی مدیریت مشارکتی در حفاظت از ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره، مطالعه موردی پارک ملی گلستان با مطالعه جامعه هدف شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، همیاران طبیعت، جوامع محلی، نیروهای دولتی و دیگر افراد جامعه نتیجه‌گیری کردند، با توجه به اختلاف معنی‌دار بین گروه‌ها، می‌توان در زمینه مورد علاقه و مشارکتی آنان برنامه‌ریزی کرد. به علت سهولت دسترسی افراد جامعه به شبکه‌های اجتماعی و عضویت پررنگ آنها در گروه‌های محیط زیستی، می‌توان از این ظرفیت در آموزش و مشارکت بیشتر این افراد در مدیریت ذخیره‌گاه زیست‌کره بهره‌گرفت. متولی و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA) به تحلیل انسجام سازمانی و شبکه سیاست‌گذاری در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی برای ۳۷ نهاد مرتبط با مدیریت مشارکتی منابع طبیعی در حوزه آبخیز حبله رود پرداختند. نتایج آنها نشان داد که مرکزیت بینابینی چهار نهاد سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت کشور دارای قدرت کنترل و واسطه‌گری بالا می‌باشد. با توجه به نقش کلیدی نهادهایی چون سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش، آگاهی و توانمندسازی جامعه محلی یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی در دستیابی به مدیریت مشارکتی در حوزه آبخیز حبله رود می‌باشد. همچنین نهادهایی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، باید دارای تعامل و ارتباط بالاتری با سایر سازمان‌های مرتبط در این زمینه باشند. نتایج پژوهش روزفراخ و همکاران (۱۴۰۳) در تحلیل و ارزیابی مدیریت مشارکتی عرصه‌های منابع طبیعی (جنگل و مرتع) در نواحی روستایی شهرستان دنا، حاکی از آن است که به‌طور کلی سطح مشارکت مردم منطقه در مدیریت عرصه‌های منابع طبیعی در وضعیت نامناسب قرار ندارد. همچنین توزیع فضایی مدیریت مشارکتی عرصه‌های منابع طبیعی نشان‌دهنده وضعیت مناسب‌تر محدوده‌های جنوبی شهرستان دنا نسبت به محدوده‌های شمالی آن

است. نکته حائز اهمیت این است که مدیریت مشارکتی همیشه موفق عمل نکرده است. Murphree (۲۰۰۴) گزارش نموده که تمرکززدایی در تحلیل مدیریت مشارکتی بسیار مهم است. Vermeulin (۱۹۹۷) عدم وجود سیاست تمرکززدایی را مانعی برای اجرای مدیریت مشارکتی دانست. در برخی از مطالعات علت شکست بسیاری از پروژه‌های مشارکتی را مدرن و فانتزی بودن قوانین و عدم تنظیم قوانین منابع طبیعی مطابق با سنت‌ها و فرهنگ مردمان محلی بیان شده است (Poissonnet et al., 2006). Ostrom (۲۰۰۷) اعتقاد دارد که برای مشکلات پیچیده راهکار واحد موثری وجود ندارد. مسئله مهم مشخص کردن نحوه ساماندهی پروژه مشارکتی و ارتباط بین دولت مرکزی و جوامع محلی است. در کشورهای در حال توسعه درک شرایط اقتصادی و سیاسی در کنار نیاز به بازنگری کلی در استراتژی جوامع مردم نهاد متمرکز ضروری است (Nelson and Agrawal, 2008). محققان اخیر بر اساس مطالعات خودشان در کشورهای آفریقایی بوتسوانا، کنیا، موزامبیک، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه اعلام نمودند که میل به واگذاری مدیریت منابع طبیعی از سوی دولت به جوامع محلی همبستگی با میزان درآمد قدرت‌های سیاسی دارد. علی‌رغم فشار موسسات بین‌المللی بر اجرای پروژه‌ها، همچنان قدرت‌های مرکزی در صدد نگه داشتن قدرت کنترلی خود بر روی منابع طبیعی هستند. بعضی مواقع جوامع محلی اجرای پروژه‌ها را فرصتی برای دریافت پول از قبیل گرانت‌های ایالتی می‌دانند. بنابراین این مشارکت از نوع مشارکت واقعی نخواهد بود. این نوع همکاری به تخریب شدید و مجدد منابع منجر خواهد شد.

## ۲- بنیان‌های نظری پژوهش

در فرآیند تحقیق کیفی توجه به استراتژی تحقیق، نقش محقق، استراتژی اعتبار بخشی یافته‌ها و مبانی نظری پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا ابتدا جایگاه آنها در مطالعه حاضر روشن گردیده سپس روش تحقیق بیان خواهد شد:

### ۲-۱- استراتژی تحقیق

استراتژی پژوهش، منطق یا مجموعه روش‌هایی برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش است. برگزیدن یک استراتژی پژوهشی پایه و اساس هر طرح پژوهشی است چون که استراتژی پژوهشی تأثیر زیادی بر همه تصمیم‌های دیگری دارد که باید طی برنامه‌ریزی و طراحی یک پروژه تحقیقاتی اتخاذ شوند. هر استراتژی پژوهش که انتخاب می‌گردد، مفروضات فلسفی متفاوتی خواهد داشت (بلیکی، ۱۳۸۴). در تحقیق حاضر، از بین چهار نوع استراتژی پژوهشی، استقرایی، قیاسی، واکاوی و استقوامی، موضوع، اهداف و سؤالات تحقیق (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰) و (Rossman, 1395) و (Marshall and Marshall) ما را به استفاده از روش استراتژی پژوهشی استقرایی (نقطه شروع در این استراتژی «گردآوری داده» می‌باشد و سپس به سمت تعمیم‌های استقرایی پیش می‌رود) رهنمون نمود.

### ۲-۲- نقش محقق

در این پژوهش رابطه بین محقق و متن، دیالکتیکی (رفت و برگشتی) بود. محقق در این روش نه تنها از داده‌ها، متن و فرآیند پژوهش فاصله نگرفت، بلکه همواره نقش فعالی داشت. محققان، به اقتباس از روش‌شناسی مردم‌نگارانه، تلاش نمودند تا موضع خودی به خود گیرند. حضور معرفان کلیدی یا Gate keepers نیز در تحقق این امر موثر واقع گردید. سعی گردید در کنار رعایت شرایط انجام تحقیق کیفی از قبیل، انعطاف‌پذیری، تحمل شرایط ابهام‌آمیز، همدلی و توانایی حفظ آرامش از تجارب اجرایی خود محققان نیز در ارائه تفاسیر استفاده به عمل آمد.

### ۲-۳- استراتژی اعتبار بخشی یافته‌ها

روایی تحقیق حاضر با به‌کارگیری توصیف عمیق در نگارش و برگشت گزارش به مشارکت کنندگان و ارزیابی تحقیق توسط عشایر صورت پذیرفت. پایداری آن نیز از طریق ضبط صدا با کیفیت و تمام جزئیات و تبدیل آن به متن تحقق یافت.

### ۲-۴- مبانی نظری پژوهش

نشست‌های مکرر ذینفعان، انجام تحقیق را به سوی مدیریت مشارکتی مراتع مورد نظر رهنمون گردید. لذا مباحث تئوریک این قسمت به اختصار برای موضوع مشارکت در مدیریت مراتع مورد بحث قرار می‌گیرند. مشارکت، بسته به چگونگی عضویت افراد، زمینه فعالیت، تطابق نیازها، چگونگی دخالت مردم و غایت و منظور مشارکت کننده همچنین از نظر سطح، انگیزه‌های ایجاد آن، چگونگی دخالت مردم، سطوح فراگیری، کیفیت همکاری مردم، موضوع و نحوه مشارکت تقسیم‌بندی زیر را شامل می‌شود. رویکردهایی که در دیدگاه نظری مشارکت مورد بحث قرار می‌گیرند، رویکرد کارکردگرایی، رویکرد ساخت‌گرایی، رویکرد تضاد، رویکرد کنش متقابل نمادین و رویکرد نهادگرایی را شامل می‌گردند. همچنین در حوزه جامعه‌شناسی مشارکت،

1. Inductive  
2. Deductive  
3. Retroductive

4. bductive  
5. Ethnographic methodology

شخصیت‌های مهمی ابراز عقیده کردند که از مهمترین آنان می‌توان اندیشمندانی مثل ابن خلدون، فارابی، دورکیم، وبر، پارسونز و هابر ماس را نام برد. در زمینه دیدگاه روانشناختی مشارکت، می‌توان به دیدگاه راجرز و لرنر اشاره نمود. اظهار نظرها و تعاریف ارائه شده در مورد مشارکت، بازتاب الگوی اعتقادی و نظری به کار گرفته شده است. تلقی مشارکت صرفاً به عنوان جزئی کمیت‌پذیر که می‌بایست در یک پروژه تزییق گردد، امکان‌پذیر نیست. مشارکت اساساً فرآیندی کیفی است که اگر قرار است موثر باشد، تغییراتی بنیادین در اندیشه و عمل می‌طلبد. بنابراین ارائه یک فهرست جهان شمول از عواملی که در این فرآیند موثر است، غیر ممکن می‌باشد. از سوی محققان زیادی پیرامون مباحث مشارکت اظهار نظر کرده‌اند که ذیلاً اسامی آنها عنوان خواهد شد. در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، دو نگرش عمده خرد و کلان عنوان شده است. در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد (ریترز، ۱۳۷۳). از این رو به دو بخش مشارکت ذهنی و رفتاری اشاره شده است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (علوی‌تبار، ۱۳۷۹). در هر دسته، نظریه‌های متعددی مطرح می‌شود. کولین؛ جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند، وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی مشارکت، قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت، باید بسیاری از قالب‌های پیش ساخته ذهنی را دگرگون ساخت و این امر بدون کار فرهنگی میسر نمی‌شود. نظریه‌ها و مدل‌های مشارکتی مختلفی از سوی صاحب‌نظرانی همچون چاپین<sup>۲</sup>، جیمز میچلی<sup>۳</sup>، پرتی و کورن وال<sup>۴</sup>، لیپست<sup>۵</sup>، وایدمان و فیمرز (نردبان مشارکت عمومی)، آرنشتاین<sup>۶</sup>، دیویدسون<sup>۷</sup>، اوکلی<sup>۸</sup> و سایر صاحب‌نظران چون پوتنام<sup>۹</sup>، آنتونی گیدنز<sup>۱۰</sup>، مک میلان و چاوز<sup>۱۱</sup>، دورکیم<sup>۱۲</sup>، ابن خلدون<sup>۱۳</sup>، اورت<sup>۱۴</sup>، مولیناس<sup>۱۵</sup>، پارسونز<sup>۱۶</sup>، مریل<sup>۱۷</sup>، مرتون<sup>۱۸</sup>، ساتول<sup>۱۹</sup>، سی من<sup>۲۰</sup>، ماری لوین<sup>۲۱</sup>، بروس کوئن<sup>۲۲</sup>، آلموند و پاول<sup>۲۳</sup>، دیوید سیلز<sup>۲۴</sup> و مایکل راش<sup>۲۵</sup> برای شرایط خاص آن جوامع ارائه گردیده است اما به نظر می‌رسد الگوهای مشارکتی در جوامع روستایی و عشایری ایران می‌تواند مناسب حال مطالعه حاضر باشد:

## ۲-۵- الگوهای مشارکتی در جوامع روستایی و عشایری ایران

معمولاً الگوهای مشارکتی در جوامع روستایی و عشایری ایران طی ۳ برهه مجزای ذیل بررسی می‌گردد:

- قبل از اصلاحات ارضی
- بعد از اصلاحات تا انقلاب اسلامی
- بعد از انقلاب اسلامی

### ۲-۵-۱- الگوهای مشارکتی در جوامع روستایی و عشایری قبل از اصلاحات ارضی

قبل از اصلاحات ارضی امورات جوامع روستایی و عشایری در قالب نظام ارباب و رعیتی اداره می‌گردید. الگوی غالب مشارکتی از نوع مشارکت "خود انگیزه" نسبتاً فراگیر در سطح واحدهای تولیدی خانوار و جمعی بود.

### ۲-۵-۲- الگوهای مشارکتی در جوامع روستایی و عشایری بعد از اصلاحات تا انقلاب اسلامی

در دوره بعد از اصلاحات بدلیل نادیده گرفتن الگوی مشارکتی سنتی و در مواردی تعارض با آن نوعی الگوی "ضد مشارکتی" حاکم بود. همچنین با ورود تشکلهایی مثل تعاونی‌های روستایی، خانه اصناف، خانه فرهنگ، سپاه دانش، ترویج و بهداشت در این دوره نوعی الگوی مشارکت هدایت شده از بالا به پایین حاکم گردید.

### ۲-۵-۳- الگوهای مشارکتی بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این جوامع نوعی مشارکت "فزاینده" در قالب بسیج اجتماعی که بی‌تأثیر از تحول حادث شده در سطح کلان جامعه نبود تجربه گردید. تقریباً مشارکت‌های جمعی "خود انگیزه" مجدداً احیاء گردیدند ولی بتدریج به دلیل ورود نهادهایی که در بالا گفته شد و پیروزی

1. Colin  
2. Chapin  
3. James Midgley  
4. Pretty and Cornwall  
5. Lipset  
6. Weidemann and Femers  
7. Arnstein  
8. Davidson  
9. Oakly  
10. putnam  
11. Anthony Giddens  
12. Macmillan and Chávez  
13. Durkheim

14. Ibn Khaldun  
15. Everett  
16. molinas  
17. Parsons  
18. Miller  
19. Merton  
20. Southwell  
21. Seeman  
22. Marne Lynn Levine  
23. Bruce Kohon  
24. Almond and Powell  
25. David Sills  
26. Michael Rush

دیدگاه خصوصی‌سازی بر دیدگاه توسعه اقتصادی درونزا (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷) که پیامد آن تدوین برنامه اول توسعه بر اساس بازسازی مناطق جنگ زده، تعادل منطقه‌ای و تمرکززدایی بود، شکل مشارکت به الگوی مشارکتی "هدایت شده" از بیرون تغییر یافت (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳). نتیجه اینکه در سطح کلان بسترسازی لازم برای تحقق مشارکت "واقعی" صورت نگرفته است. این امر مستلزم توانمندسازی عشایر و روستایی، نجات آنها از وابستگی به دولت، تقویت خود اتکایی، مشارکت دادن آنها در سطوح مختلف مشارکتی، تغییر لازم در ویژگی شخصیتی، تقویت روابط بین فردی و تمرکززدایی می باشد.

## ۲-۶-۲- روش تحقیق

### ۲-۶-۲-۱- منطقه مورد مطالعه

عشایر این منطقه ترک زبان هستند. دو سامانه به اسامی چوخلو قویی و جلیلو با ۹ قشلاق در این زیست بوم قرار گرفته‌اند. سامان چوخلی قویی قشلاقات تره چی، مازان، حسن اختری، حاجی خدش، حاجی اکبر را شامل می‌گردد. این قشلاقات بامساحت ۲۰۳۸ هکتار از توابع شهرستان پارس‌آباد مغان بوده، بیلافاشان با مساحت کل ۱۹۲۲ هکتار در ساری گونی، تندرلو، ابری داش، امیرجه مشگین شهر و آوارس سرعین واقع گردیده و به جز قشلاق تره چی بقیه قشلاک‌ها دارای طرح مرتعداری هستند. تعداد دامداران و جمعیت به ترتیب ۱۴۷ و ۵۹۷ نفر بوده و همگی جزو نظام دامداری کوچرو هستند. سامان جلیلو با مساحت ۸۵۰ هکتار، چهار قشلاق حاجی حسن، قدیر، نماز، حاجی سرخان را درخود جای داده است. بیلاق آنها با مساحت ۸۱۰ هکتار ابری داش مشگین شهر می‌باشد. تعداد دامداران و جمعیت به ترتیب ۱۰۳ و ۴۳۲ نفر می باشد. تمام خانوارها کوچنده‌اند. بر اساس پروانه‌های چرا، تعداد گوسفند ۷۳۰۷۵ واحد، بز ۲۲۱۰، بره و سایر احشام ۱۰ واحد می‌باشد. تعداد دام مجاز ۲۳۶۰۸ و دام موجود ۲۴۷۱۳ می‌باشد بنابراین تعداد دام مازاد ۱۲۰۵ واحد دامی (۱/۰۴٪) بر آورد می‌گردد. مراتع قشلاقی تیره آقلی طایفه مغانلو ایل شاهسون جزو محدوده زیست بوم فتحلی می‌باشند. این مناطق در ۴۷ درجه، ۳۲ دقیقه و ۴۷ ثانیه تا ۴۷ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی، و ۳۹ درجه ۲۰ دقیقه تا ۳۹ درجه، ۲۱ دقیقه و ۳۵ ثانیه عرض شمالی قرار دارند (شکل ۱). ارتفاع از سطح دریا، ۳۵۰ متر، شیب اراضی ۱۰-۲ درصد، جهت عمومی شمالی است. اقلیم منطقه، نیمه استپی معتدل با میانگین بارندگی ۲۶۰ میلی‌متر در سال می‌باشد (محبی و همکاران، ۱۳۹۷). موقعیت و مشخصات توپوگرافیک هر یک از مناطق مورد مطالعه در جدول (۱) مشخص گردیده است.

جدول (۱): موقعیت و مشخصات توپوگرافیک منطقه مورد مطالعه

نوع مرتع	بهره برداران عرفی	موقعیت جغرافیایی	اقلیم	میانگین بارندگی (میلی متر)	ارتفاع از سطح دریا	متوسط شیب و جهت
قشلاقی	طایفه مغانلو	E ۴۸ ۳۶ ۵۵ N ۳۷ ۳۶ ۲۷	نیمه استپی معتدل	۲۶۰	۳۵۰ متر	۲-۱۰ درصد با جهت شمالی

## ۲-۶-۲- روش نمونه‌گیری

این مطالعه در دو بخش مجزای کمی و کیفی صورت پذیرفت.

### الف) مطالعات کیفی

بخش ارزیابی مدیریت مشارکتی این تحقیق به دلیل اکتشافی بودن نوع مطالعه، با رویکرد کیفی، با اتکا بر رویکردهای ذهنی (فلیک، ۱۳۹۲) به انجام رسید. با توجه به اهداف پژوهش، از روش اقدام پژوهی و ارزیابی مشارکتی روستایی جهت انجام تحقیق استفاده شد. معیار انتخاب روش‌های مذکور، موضوع و مسئله تحقیق بود که ایجاب می‌نمود برابر شرح خدمات، ضمن انجام تمام مراحل مطالعه توأم با اقدام میدانی، تجزیه و تحلیل شرایط و تصمیم‌گیری توسط افراد محلی صورت گیرد. جامعه آماری را تعداد ۲۵۰ خانوار (۱۰۲۹ نفر) عشایر مرتع قشلاقی تیره آقلی طایفه مغانلو ایل شاهسون اردبیل که همکاری خود را جهت اجرای پروژه اعلام کرده بودند، تشکیل داد. ۵ نفر از آنان با رای اکثریت به عنوان نماینده انتخاب و جهت پیگیری امور معرفی گردیدند. در ارزیابی مشارکتی روستایی، روش نمونه‌گیری "هدفمند" (نمونه‌گیری قضاوتی، انتخابی یا ذهنی)، انتخاب گردید. در روش نمونه‌گیری "هدفمند" انتخاب نمونه‌های خاصی مدنظر است که اطلاعات زیادی در مورد موضوع مورد نظر داشته باشند. شیوه مصاحبه "نیمه ساختار یافته" بود. تعیین نمایندگان عشایری جهت پیگیری امورات مدیریتی و انعقاد تفاهم نامه همکاری مابین ارگان‌های مرتبط با نمایندگان مذکور نیز در این مرحله صورت پذیرفت (شکل ۱).

**ب) مطالعات کمی**

مرحله بعدی بررسی کمی تاثیر این شیوه از مدیریت بر روی شاخص‌های مهم پوشش گیاهی از قبیل ظرفیت، وضعیت، گرایش و درصد بهره‌برداری بود. بدین ترتیب که ابتدا تیپ‌بندی مراتع صورت گرفته و این شاخص‌ها طی سنوات تحقیق در مناطق معرف هر تیپ گیاهی و در دو مرحله اردیبهشت ماه قبل از ورود عشایر و مهر ماه بعد از خروج عشایر از منطقه، با قرار دادن تعداد ۲۰ پلات ۱ متر مربعی در طول دو ترانسکت ۵۰۰ متری به روش تصادفی-سیستماتیک مورد ارزیابی قرار گرفتند. بدین منظور شاخص ظرفیت مرتع با استفاده از روش قطع و توزین، گرایش وضعیت با ترازوی گرایش و درصد بهره‌برداری نیز با استفاده از اختلاف تولید قبل از ورود عشایر و بعد از خروج آنها طبق فرمول زیر در سطح تیپ‌های گیاهی و کل منطقه محاسبه گردیدند:

$$\text{بهره برداری \%} = \frac{(\text{تولید بعد از ورود} - \text{تولید قبل از ورود})}{\text{تولید قبل از ورود}} * 100$$

رابطه (۱)



شکل (۱): نمونه جلسات مشترک با عشایر منتخب استان اردبیل در قشلاقات منتخب (۲۸ مهر ماه سال ۹۴)

**۳- نتایج****۳-۱- نتایج کیفی ارزیابی مشارکتی روستایی (Participatory Rural Appraisal)**

نتایج حاصل از ارزیابی کیفی عملکرد نمایندگانی که از سوی عشایر برای مدیریت کوچ و مرتع در طول سال‌های مطالعه انتخاب شده بودند، در جدول (۲) نشان داده شده است. همانطوری که از جدول (۲) مشخص است، در این راستا برخی از تصمیمات نمایندگان مذکور در مدیریت بهینه مراتع منطقه تحقق یافت که از جمله آنها می‌توان صدور کارت همیاری برای قریبانان محلی معرفی شده در ییلاق و قشلاق، تشکیل تعاونی عشایری، مدیریت چرای دام در قشلاق و ییلاقات (از طریق نوبت‌بندی چرای دام مازاد) و زمینه‌سازی احداث کارگاه فرآوری لبنیات را نام برد. در مقابل علی‌رغم پیگیری، برخی از تصمیمات آنان از قبیل حل مشکل اجاره‌دهی مراتع، درخواست تجدید ممیزی ییلاقات، مشکل عدم صدور مجوز تهیه طرح مرتعداری به دلیل حفاظتی اعلام شدن منطقه، تعیین ایستگاه دام در میان‌بند، اصلاح و احیا مراتع، ساماندهی اخذ تسهیلات، آبرسانی به ییلاقات، احداث راه‌های عشایری در مناطق صعب العبور، آبرسانی در میان‌بند و ساماندهی جایگاه سیلندر پرکنی و گازرسانی همچنان لاینحل باقی ماند. در کل، در طول مدت اجرای پروژه، حدود ۴۵٪ از تصمیمات نمایندگان عشایری در راستای حل مشکل مدیریت کوچ و مرتع در منطقه مورد مطالعه تحقق یافته و ۵۵٪ آن بدون حل باقی ماند.

جدول (۲): خلاصه نتایج مدیریت مشارکتی نمایندگان عشایر تیره آقلی طایفه مغانلو ایل شاهسون اردبیل (در طول مدت اجرای طرح)

ردیف	موضوع تصمیم	سازمان یا اداره مرتبط با تصمیم	نتیجه تصمیمات		دلیل
			تصمات تحقق یافته (کد ۱)	عدم تحقق تصمیم (کد ۰)	
۱	درخواست تجدید همیزی بیلاقات عشایر منتخب			۰	مشکلات خاص تجدید همیزی
۲	رفع مشکل ایجاد شده با اداره محیط زیست	نمایندگان عشایر منتخب و سازمان امور عشایری		۰	عدم پیگیری سازمان امور عشایری جهت تشکیل جلسه با سازمان محیط زیست
۳	صدور کارت همیاری برای قرقانان معرفی شده	اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل	۱		
۴	حل مشکل میان بند و اطراق گاه‌های موقت دام	اداره کل امور عشایر استان		۰	مناطق مد نظر اداره کل مذکور ( روستاهای صلوات و مازافاو...) با شرایط عشایر منتخب مطابقت نداشت
۵	تحويل نهاده به نمایندگان عشایر جهت احیا مراتع	اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل		۰	کم توجهی اداره کل مذکور به مصوبات جلسات مدیریت مشارکتی
۶	تشکیل تشکل عشایری	نمایندگان عشایر منتخب و سازمان امور عشایری	۱		تا اتمام زمان پروژه مراحل اولیه تشکیل تشکل‌های عشایری صورت پذیرفته بود
۷	برنامه ریزی مدیریت چرای دام در قشلاق و بیلاقات از طریق نوبت‌بندی چرای دام مازاد	نمایندگان عشایر منتخب و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان	۱		بدلیل افزایش جمعیت و کمبود سطح مراتع بیلاقی، خود عشایر موضوع نوبت‌بندی چرای مراتع توسط دارندگان حقوق عرفی را در راس برنامه خود قرار داده بودند.
۸	رعایت تقویم کوچ	نمایندگان عشایر منتخب و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان	۱		با اجرای پروژه تا حدودی تقویم کوچ در طول مدت اجرا، با اجاره پس چر مراتع میان بند روستایی و یا مراتع ملی حریم روستا های مسیر کوچ، توسط عشایر منتخب رعایت گردید
۹	آبرسانی به بیلاقات	اداره کل امور عشایر استان		۰	علی رغم درخواست و پیگیری های مکرر عشایر تا اتمام مدت زمان اجرای پروژه این امر تحقق نیافته بود.
۱۰	احداث راه‌های عشایری در مناطق صعب العبور	اداره کل امور عشایر استان		۰	تا اتمام مدت زمان اجرای پروژه این امر تحقق نیافته بود.
۱۱	احداث کارگاه فرآوری مواد لبنی	نمایندگان عشایر منتخب	۱		با پیگیری نمایندگان عشایر اجرای این پروژه در منطقه در حال انجام بود.

متوسط (%) تحقق یا عدم تحقق تصمیمات مدیریت مشارکتی ۵\*۱۰۰/۱۱=۴۵ ۶\*۱۰۰/۱۱=۵۵

### ۳-۲- نتایج ارزیابی تاثیر مدیریت مشارکتی عشایر بر مرتع

#### ۳-۲-۱- تیپ بندی منطقه مورد مطالعه

در قشلاقات این تیره‌ها، غالبیت با گونه بوته‌ای درمنه معطر *Artemisia fragrans Willd.* بود. لیست مهم‌ترین گونه‌های همراه در جدول (۳) تنظیم شده است.

جدول (۳): لیست گونه‌های همراه تیپ *Artemisia fragrans* Willd. مراتع قشلاقی تیره اقلی طایفه مغانلو

ردیف	اسم فارسی	خانواده	اسم علمی
۱	درمنه شرقی	Astraceae	<i>Artemisia scoparia</i> <i>Willed &amp; Kit</i>
۲	نوعی گون	Astraceae	<i>Astragalus crugatus</i>
۳	علف شور بیابانی	Papileunaceae	<i>Salsola kali</i> L.
۴	شور الوان	Chenopodiaceae	<i>Salsola crassa</i> M.B
۵	شور درختچه‌ای	Chenopodiaceae	<i>Salsola arbuscula</i> Pall.
۶	علف شور یکساله	Chenopodiaceae	<i>Salsola rigids</i>
۷	کوخیا	Chenopodiaceae	<i>Kochia prostrata</i>
۸	گراس یکساله	Graminaceae	Annual grass
۹	فورب یکساله	-	Annual forb

شکل (۲): گونه غالب مراتع منطقه (*Artemisia fragrans*)

## ۲-۳- ارزیابی و اندازه‌گیری شاخص‌های پوشش گیاهی

نتایج بررسی‌های انجام شده طی سال‌های مورد مطالعه، نشان داد که دوره بهره‌برداری ۲۵۰ روز می‌باشد. به‌طور متوسط وضعیت مرتع قبل از ورود عشایر به جز سال ۹۶ عالی بوده ولی بعد از خروج عشایر به جز سال ۹۴ که متوسط بوده در بقیه سال‌های مطالعه ضعیف نشان داد. به همین ترتیب گرایش قبل از ورود عشایر مثبت و پس از خروج آنها به جز سال ۹۶ که مثبت بوده بقیه سال‌ها منفی بوده است. به‌طور متوسط در طول سال‌های مطالعه درصد بهره‌برداری ۸۴/۵ درصد برآورد گردید. همچنین متوسط ظرفیت قبل از ورود عشایر و بعد از خروج آنها نیز با دارا بودن متوسط تولید ۱۳۰۷ و ۲۰۱/۸ کیلوگرم در هکتار و لحاظ نمودن ۵۰ درصد برداشت ۲ کیلوگرم علوفه برای هر واحد دامی برای یک فصل چرای ۱۵۰ روزه، ۲/۱۷ و ۳۴ / واحد دامی در هکتار بر آورد گردید (جدول ۴).

جدول (۴): نتایج ارزیابی پوشش گیاهی مراتع قشلاقی تیره اقلی طی سال‌های مورد مطالعه

سال‌های مطالعه	ظرفیت ( واحد دامی در هکتار)		وضعیت		گرایش		درصد بهره‌برداری (%)
	قبل از ورود عشایر	بعد از خروج عشایر	قبل از ورود عشایر	بعد از خروج عشایر	قبل از ورود عشایر	بعد از خروج عشایر	
۱۳۹۴	۲/۱۷	۰/۳۴	متوسط	عالی	مثبت	منفی	۸۴/۵
۱۳۹۵	۲/۱۷	۰/۳۴	ضعیف	عالی	مثبت	منفی	۸۴/۵
۱۳۹۶	۲/۱۷	۰/۳۴	ضعیف	ضعیف	مثبت	مثبت	۸۴/۵

## ۴- بحث

نظر به مشکلات ایجاد شده در نحوه مدیریت مراتع پس از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، از سویی محدودیت‌های مدیریت دولتی، از دید برخی متخصصین، واگذاری این مسئولیت به عشایر و فراهم کردن زمینه نقش‌آفرینی آنها در این مهم می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای برون‌رفت از وضع نامناسب و ناکارآمد نظام مدیریت دولتی به شمار آید. به این موضوع باژیان (۱۳۸۶) نیز تاکید داشته است. از این رو سازمان امور عشایر، مؤسسه تحقیقات

جنگل‌ها و مراتع کشور و سازمان جنگل‌ها؛ مراتع و آبخیزداری کشور ورود این موضوع را از مسیر متکی به نتایج تحقیق امری منطقی تشخیص داده و پس از تشکیل جلسات متعدد، تفاهم نامه اجرایی چهار جانبه‌ای در مورخه ۱۳۹۵/۱/۲۳ مابین سازمان‌ها و موسسه مذکور و نمایندگان عشایر منعقد و مراحل مطالعاتی پروژه به شکل مدیریت مشارکتی آغاز گردید. ارزیابی عملکرد عشایر در دو سطح کیفی و کمی (تاثیر عملکرد بر شاخص‌های مهم پوشش گیاهی) صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی‌های کیفی نشان داد که در اکثر قشلاقات علی‌رغم مدیریت از سوی نمایندگان عشایر، همچنان ظرفیت چرا رعایت نشده و تاخیر خروج دام از مرتع اتفاق می‌افتد. دلیل عمده آن، نبود بیلاق بهاره می‌باشد که دام زودتر از موعد وارد مراتع بیلاقی می‌گردد همچنان ۱۲ مورد گزارش اجاره‌دهی پروانه‌ها وجود داشته که علی‌رغم تاکید قانونی بر ابطال پروانه متخلفان ( شماره ۲ بند الف از فصل چهارم اصلاحیه شیوه نامه فنی و اجرایی بهره‌برداری از مراتع کشور) عملاً اقدامی در این خصوص از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان صورت نگرفت. واگذاری مرتع به دامدار غیر مجاز وجود نداشت. سال ۱۳۹۶ به‌دلیل سرمای زود رس و خشکسالی دامداران زودتر بیلاق را ترک نمودند. قشلاقات حاجی اکبر، حاجی خدش، مازان و حسن اختری طرح مرتعداری داشتند ولی به‌دلیل قدیمی بودن بازنگری آنها همچنین تهیه طرح برای سایر قشلاقات پیش بینی گردید ولی به‌دلیل حفاظتی اعلام شدن منطقه از سوی اداره محیط زیست استان راکد ماندند. کارت همیاری برای قریبانان معرفی شده در بیلاق و قشلاق از سوی اداره کل منابع طبیعی استان صادر گردید. مقرر شد، لیست ایستگاه‌های دام پیشنهادی در میان‌بند از سوی نمایندگان عشایر به اداره کل امور عشایر استان اعلام گردد که علی‌رغم معرفی چند نقطه، به دلیل قرار گرفتن مناطق در حریم روستاها اقدام چندانی در این خصوص صورت نپذیرفت. مناطق مد نظر اداره کل امور عشایری استان (روستاها، صلوات و مازافا) نیز به‌دلیل تحمل هزینه مضاعف حمل دام با ماشین از قشلاق تا میان‌بند و از میان‌بند تا بیلاق، از سوی عشایر رد شدند. مراحل تشکیل تشکل عشایری، مدیریت چرای دام در قشلاق و بیلاقات (از طریق نوبت‌بندی چرای دام مازاد توسط نمایندگان عشایر) تا حدودی تحقق یافتند. ولی ساماندهی اخذ تسهیلات، آبرسانی به بیلاقات، احداث راه‌های عشایری در مناطق صعب العبور، آبرسانی در میان‌بند و ساماندهی جایگاه سیلندر پر کنی و گاز رسانی از دیگر برنامه‌های نمایندگان عشایر منتخب این استان بود که بدون اجرا در مرحله تصمیم باقی ماندند. در کل، در طول مدت اجرای پروژه، حدود ۴۵٪ از تصمیمات نمایندگان جهت حل مشکل مدیریت کوچ و مرتع در منطقه مورد مطالعه تحقق یافته و ۵۵٪ آن بدون حل باقی ماند. نتایج حاصل از بررسی‌های کمی تاثیر مدیریت نمایندگان بر پوشش گیاهی مراتع منطقه نشان داد که به‌طور متوسط وضعیت مرتع قبل از ورود عشایر عالی بوده ولی بعد از خروج عشایر ضعیف بود. به همین ترتیب گرایش قبل از ورود عشایر مثبت و پس از خروج آنها منفی بود. متوسط درصد بهره بردای ۸۴/۵ درصد برآورد گردید. همچنین متوسط ظرفیت قبل از ورود عشایر و بعد از خروج آنها نیز به ترتیب ۲/۱۷ و ۳/۴، واحد دامی درهکتار بر آورد گردید. هر چند کاهش بارندگی سال ۱۳۹۶ در کاهش عملکرد، در نتیجه ظرفیت آن سال موثر بود و این نتیجه با نتایج اکبرزاده و همکاران (۱۳۸۷) که تغییرات پوشش گیاهی با بارندگی را در منطقه پلور به اثبات رساندند، همخوانی داشت، ولی حاکم بودن شرایط تقریباً یکسان آب و هوایی در سایر سال‌ها، نشان از تاثیر نه چندان موثر مدیریت نمایندگان عشایری در تغییرات روند و وضعیت مراتع مذکور داشت. با نگاه کلی به نتایج حاصله می‌توان دریافت که اعمال مدیریت نمایندگان عشایری در مدیریت کوچ و مرتع طی سنوات تحقیق چندان رضایت بخش ارزیابی نمی‌گردد. همانطوری که محبی و همکاران (۱۳۹۷ و ۱۳۹۹) و سید اخلاقی و همکاران (۱۴۰۰) نیز اشاره داشته است دلایل آن با عدم وجود اراده جدی در سازمان متولی جهت احاله مدیریت مراتع به خود عشایر، تعدد تولی‌گری مدیریت منابع (ورود سازمان محیط زیست به منطقه و پیشگیری از تهیه طرح مرتعداری در دو استان اردبیل و تهران)، عدم تخصیص اعتبارات دولتی در طول اجرای طرح و عدم پیگیری جدی نمایندگان عشایری به دلیل نبود منافع شخصی در این پروژه، مرتبط بود. ساختار و امکانات کنونی سازمان متولی پاسخگوی نیازهای عرصه گسترده مراتع کشور نمی‌باشد از سویی همانطوری که Child and Dalal-Clayton (۲۰۰۴) اشاره نموده‌اند، نگرش‌های بالا به پایینی و نبود زمینه‌های لازم برای مشارکت مردمی، اعمال مدیریت مشارکتی در مراتع را با مشکل مواجه ساخته است. Sandström and Rova (۲۰۱۰) و Scholz and Binder (۲۰۱۱) نیز عدم وجود سیاست تمرکززدایی را مانعی برای اجرای مدیریت مشارکتی دانسته‌اند. همچنین تاثیر منفی نبود اعتبارات در توفیق پروژه‌های مدیریتی نیز از سوی Neef (۲۰۰۵) مورد تایید قرار گرفته است.

## ۵- نتیجه گیری

نتیجه اینکه میزان تاثیر مدیریت تعریف شده در بهبود شرایط مراتع قشلاقی تیره اقلی طایفه مغانلو ایل شاهسون استان اردبیل در حد ضعیف ارزیابی گردید. همکاری بیش از پیش ارگان‌های مرتبط با نمایندگان عشایری در کنار پیگیری جدی نمایندگان مذکور، می‌توانست نتایج سودمندتری برای مرتع و مرتعداران در پی داشته باشد. با این توصیف تعریف الگوی جدید مدیریت مراتع بر مبنای تحقیقات، ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

- اکبرزاده، م.، مقدم، م.، ر.، جلیلی، ع.، جعفری، م.، و ارزانی، ح. (۱۳۸۷). تاثیر بارندگی بر تغییرات پوشش تاجی و تولید گیاهان مرتعی در پلور. منابع طبیعی ایران. ۶(۴) ۳۲۲-۳۰۷. از کیا، م. و غفاری، ع. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات نشر نی، ص ۱۶۸-۱۶۲.
- بازیان، غ. (۱۳۸۶). مروری بر مدیریت مراتع جامعه عشایری در گذشته و حال، تغییرات، چالش‌ها و راهکارها. تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۴(۴)، ۵۲۸-۵۲۴.
- بلیکی، ن. (۱۳۹۷). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه: ح. چاوشیان تهران: انتشارات. نشر نی. ۴۱۸ ص.

- بهباد، ت. (۱۳۹۱). مدیریت چرا و چگونگی کوچ با نگرش جلوگیری از چرای زود هنگام، دفتر امور مراتع، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور. حاجی یوسفی، ا.ا. (۱۳۷۹). استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۱(۲)، ۶۹-۹۴.
- روز فراخ، ث، بدری، س. ع.، دربان آستانه، ع.، و فرجی سبکیار، ح. (۱۴۰۳). تحلیل و ارزیابی مدیریت مشارکتی عرصه‌های منابع طبیعی (جنگل و مرتع) در نواحی روستایی شهرستان دنا. جغرافیا و پایداری محیط، ۱۴(۴)، ۳۹-۶۲.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: غروی زاد، تهران: انتشارات ماجد، ص ۱۱۸.
- سید اخلاقی، س. ج.، محبی، ع.، بانج شفیعی، ش.، و قاسمی‌آریان، ی. (۱۴۰۰). گزارش طرح مطالعات کنترل گرد و غبار در سیستان. مطالعات اقتصادی اجتماعی (اقتصادی اجتماعی، کشاورزی و مدیریت دام و مرتع). گزارش اجمالی و مدیریتی. موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۹ ص.
- صفری علی اکبری، م. (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های روستایی در مدیریت مشارکتی جوامع محلی (مورد مطالعه: دهستان بالا دربند شهرستان کرمانشاه). روستا و توسعه پایدار، ۲(۲)، ۹۲-۸۱.
- عبداللهی، ف.، بانج شفیعی، ع.، بیگی حیدرلو، ه.، و موسوی میرکلا، س. ر. (۱۴۰۲). تحلیل نگرش دینفعان جنگل نسبت به مدیریت مشارکتی در جنگل‌های سردشت، زاگرس شمالی ایران. پژوهش و توسعه جنگل، ۹(۴)، ۴۶۱-۴۳۷.
- علوی‌تبار، ع. (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: انتشارات سازمان شهرداری کشور. ۲۰ ص.
- فرامرزی، ح.، شعبانی، س.، و حسینی، س. م. (۱۴۰۲). ارزیابی مدیریت مشارکتی در حفاظت از ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره (مطالعه موردی: پارک ملی گلستان). جنگل ایران، ۱۵(۴)، ۴۵۹-۴۴۵.
- فلیک، ا. (۱۳۹۰). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: ه. جلیلی. تهران: انتشارات نشر نی. ۴۹۲ ص.
- مارشال، ک.، و راس من، گ. ب. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی. ترجمه: ع. پارسائیان و س. م. اعرابی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۶۳-۵۶.
- متولی، ح.، رضایی، ا. ر.، حجازی، ی.، و علم بیگی، ا. (۱۴۰۳). تحلیل شبکه سیاست‌گذاری در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی (مطالعه موردی حوزه آبخیز حبله رود). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲(۲)، ۵۵(۲)، ۳۰۸-۲۸۹.
- محبی، ع.، فرضی‌زاده‌میاندی، ز.، و بلک، ر. (۱۳۹۹). ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری بر اساس پروانه‌های چرا (مطالعه موردی: عشایر منتخب استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، تهران و اردبیل). گزارش نهایی پروژه، موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۵۵۰ ص.
- محبی، ع.، فیاض، م.، خادمی، م.، و سید اخلاقی، س. ج. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (مطالعه موردی استان‌های اردبیل، تهران، خوزستان و چهارمحال و بختیاری). گزارش نهایی پروژه، موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۴۵۰ ص.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). "بیگانگی"، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲.
- موسی‌پور سیاه جل، ش.، هاشمی‌تبار، م.، و صفدری، م. (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر مشارکت جوامع روستایی و عشایری در مدیریت پایدار منابع طبیعی: مطالعه موردی جنگل‌های پسته وحشی و بادام وحشی شهرستان بافت. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳(۴۹)، ۲۲۰-۲۰۵.
- ویسی، ه.، و رضوانفر، ا. (۱۳۸۵). تدوین راهبردهای مناسب برای مدیریت مشارکتی منابع طبیعی: تحلیل میدان نیروی مسایل و مشکلات منابع طبیعی. علوم محیطی، ۱۳(۴)، ۱۱-۲۲.
- Child, B., and Dalal-Clayton, B. (2004). Transforming approaches to CBNRM: Learning from the Luangwa experience in Zambia. In *Getting biodiversity projects to work: Towards more effective conservation and development* (pp. 256-289). Columbia University Press.
- Murphree, M. (2004). Communal approaches to natural resource management in Africa: from whence and to where? *Journal of International Wildlife Law and Policy*, 7(3-4), 203-216.
- Nelson, F., and Agrawal, A. (2008). Patronage or participation? Community-based natural resource management reform in sub-Saharan Africa. *Development and change*, 39(4), 557-585.
- Neef, A. (2005). Participatory approaches for sustainable land use in Southeast Asia: [papers international Workshop Participatory technology development and local knowledge for sustainable land use in Southeast Asia, Chiang Mai, Thailand, 6-7 June 2001]. Bangkok: White Lotus Press.
- Ostrom, E. (2007). A diagnostic approach for going beyond panaceas. *Proceedings of the national Academy of sciences*, 104(39), 15181-15187.
- Poissonnet, M., Brudo, V., and Dosso, M. (2006). La forêt protégée de Kakamega (Ouest Kenya) entre deux futurs immédiats: destruction annoncée ou gestion concertée? *Cahiers Agricultures*, 15(5), 409-415.
- Sandström, A. C., and Rova, C. V. (2009). The network structure of adaptive governance-A single case study of a fish management area. *International journal of the commons*. 4(1).
- Scholz, R. W., and Binder, C. R. (2011). Environmental literacy in science and society: from knowledge to decisions.
- Vermeulin, C. (1997). Problématique de la décentralisation des forêts communautaires en forêt dense humide. In *Sud Est Cameroun, The African Rainforest and the Conservation of Biodiversity Workshop*, Limbé, January (pp. 17-24).

## Evaluation of co-management in the winter rangelands of the Mughanlou clan, Shabsavan tribe

Ali Mohebbi <sup>\*1</sup>, Allah verdi Nouri<sup>2</sup>



### Research Article

1. Assistant Professor, Rangeland Research Division, Research Institute of Forests and Rangelands (RIFR), P.O. Box 13185-116, Tehran, Iran.

[a.mohebbi@rifr-ac.ir](mailto:a.mohebbi@rifr-ac.ir)

\* Corresponding author

2. Senior Researcher, Research Center for Agriculture and Natural Resources, Ardabil, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran.

[a\\_nori16@yahoo.com](mailto:a_nori16@yahoo.com)

**Article Code:** 2408-1073

**Continous Pagnation:** 545-555

**Received:** 19 Agust 2024

**Accepted:** 03 December 2024

**Online:** 23 February 2025

**Review speed:** 107 days

### Citation:

Mohebbi, A., and Nouri, A. (2023). Evaluation of co-management in the winter rangelands of the Mughanlou clan, Shabsavan tribe. *Management of Natural Ecosystems*, 3(3), 38-48.

### Abstract

with the changes made in the nomadic management, which is manifested in the government's involvement in setting the migration calendar instead of nomads. Due to the limitations of the government system and also the vastness of the field, The present study aimed to assess the feasibility of transferring nomadic and rangeland management to nomads in the winter rangelands of the Al-Gholi tribe of the Moghanlu tribe of Shahsoon in Ardabil province was done for 3 years from October 2015. This study was done in two separate parts, quantitative and qualitative research methods. The evaluation part of participatory management was done with a qualitative approach, using "Action research" and "Participatory Rural Approach" evaluation. The quantitative stage was to investigate the impact of this method of management on the important factors of vegetation, before the arrival and after the departure of the nomads. The results of qualitative studies showed that due to the lack of serious will in the trustee organization to transfer rangeland management to the nomads themselves, multiple trustees, lack of allocation of funds, and lack of serious follow-up by nomad representatives due to lack of personal interests, an average of 45% of the management decisions taken were implemented. In quantitative analysis, in the last year compared to the first year, the rangelands condition was poor, negative trend, average percentage utilization of 84.5% and capacity before the arrival of the nomads was 3.17% and after their departure from the rangeland was 0.34. According to the results, it can be seen that the management practices of nomadic representatives in the management of the rangelands and nomads were not evaluated as very satisfactory. More cooperation between related organizations and tribal representatives, along with serious follow-up by the aforementioned representatives, could have had more beneficial results for the rangelands and rangmans. With this description, in these ecosystems, defining the appropriate model of rangeland management based on research seems necessary.

### Key Words:

Nomads, Rangeland management, Shabsavan Tribe.